

## باسمه تعالی

- ۱..... **مقدمه واجب**
- ۱..... **شک در وجوب نفسی و غیره**
- ۱..... **مقتضای اصل عملی**
- ۲..... **بیان صور مساله**
- ۲..... **صورت اول: شک در اصل وجوب به خاطر عدم فعلیت وجوب غیر**
- ۳..... **صورت دوم: شک در اصل وجوب به خاطر عدم فعلیت وجوب نفسی**
- ۳..... **صورت سوم: علم به اصل وجوب و انتفاء وجوب غیر علی جمیع التقادیر**
- ۴..... **عدم جریان برائت در صورت سوم**

**موضوع:** مقتضای اصل عملی / واجب نفسی و غیره / مقدمه واجب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد شک در وجوب نفسی و غیره بود. بحث مقتضای اصل لفظی تمام شد. نوبت به بررسی مساله در مقام مقتضای اصل عملی رسید. مرحوم آخوند دو صورت را مطرح کردند. استاد فرمودند: مساله بیشتر از دو صورت است. در این جلسه به بررسی صور مساله شک در وجوب نفسی و غیره پرداخته می شود.

**مقدمه واجب****شک در وجوب نفسی و غیره****مقتضای اصل عملی**

بحث در مورد مقتضای اصل عملی در دوران امر بین نفسیت و غیریت بود. مرحوم آخوند<sup>۱</sup> دو فرض را بیان کرد، ولی در خارج مساله فروض بیشتری دارد. بعد از مرحوم آخوند دیگران آن فروض را اضافه کردند. مجموعاً چهار صورت را متذکر می شویم.

<sup>۱</sup> کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۱۰.

**بیان صور مساله**

وقتی شک در نفسیت و غیریت می‌شود، گاهی اوقات اصل وجوب مشکوک است و گاهی اوقات اصل وجوب معلوم است. اگر اصل وجوب مشکوک باشد دو صورت وجود دارد:

۱- گاهی شک در اصل وجوب به خاطر شک در فعلیت وجوب نفسی است

۲- گاهی اوقات شک در فعلیت وجوب غیر است.

به عبارت صحیح تر، شک در اصل وجوب گاهی اوقات به خاطر این است که وجوب غیر فعلی نیست و گاهی اوقات به خاطر عدم فعلیت وجوب نفسی است.

اگر اصل وجوب معلوم است، باز هم دو صورت وجود دارد:

۱- گاهی اوقات وجوب غیر علی تقدیر فعلی است.

۲- گاهی اوقات غیر وجوبش فعلی است علی جمیع تقادیر.

**صورت اول: شک در اصل وجوب به خاطر عدم فعلیت وجوب غیر**

در این صورت مکلف شک در اصل وجوب دارد و شک در اصل وجوب به خاطر این است که آن غیر وجوب ندارد. مثلاً حائض نمی‌داند که نذر کرده است که الان وضو بگیرد پس وضو واجب نفسی است یا این که نماز را نذر کرده است که وجوب نماز الان فعلیت ندارد و به تبع آن وضو هم وجوب غیره ندارد. پس اصل وجوب را نمی‌داند. یا مثلاً مکلفی ختان نشده است و یقین دارد که مستطیع هم نمی‌شود. شک دارد که ختان وجوب نفسی دارد که الان بالفعل است یا وجوب غیره دارد که به خاطر طواف است و چون وجوب طواف فعلی نیست وجوب غیره ندارد.

مرحوم خوئی<sup>۱</sup> صورت جریان برائت را در کفایه، همین صورت دانسته است ولی مرحوم نائینی مراد مرحوم آخوند را صورت سوم دانسته است و به نظر ما حق با مرحوم نائینی است.

**مناقشه استاد در مثال حائض**

به نظر ما وقتی برائت جاری می‌شود که یک علم اجمالی تدریجی محقق نشود و الا داخل در صورت رابعه است. مثلاً اغلف علم دارد که بعداً مستطیع خواهد شد و علم به اصل وجوب پیدا می‌کند. پس یا الان وجوب نفسی دارد و یا وجوب غیره در آینده پیدا می‌کند و اصل وجوب معلوم است. اگر حائض علم اجمالی دارد که نذرش به وضو تعلق داشته است یا نذر کرده

۱ محاضرات فی الاصول، الخوئی، السید ابولقاسم، ج ۲، ص ۳۸۹.

است که نماز بخواند باید احتیاط کند. پس برائت در جایی جاری است که علم به وجوب فعلی در مستقبل نداشته باشیم؛ زیرا اگر علم اجمالی داشته باشیم باید احتیاط کنیم. علم اجمالی در تدریجیات منجز تکلیف است.

### صورت دوم: شک در اصل وجوب به خاطر عدم فعلیت وجوب نفسی

شک در اصل وجوب داریم از باب این که وجوب نفسی فعلی نیست. (بر خلاف صورت اول که وجوب غیره فعلی نبود) دوران امر است بین تعلق نذر غسل فی الحال که الان حرجی است و وجوب ندارد. یا نذر به زیارت مع الغسل در شب جمعه تعلق گرفته است. در این صورت وجوب در آینده فعلی می شود و شک در اصل وجوب از ناحیه وجوب نفسی (غسل) دارد. محل کلام مجرای برائت از وجوب غیره غسل برای زیارت است. یعنی برائت از تقید زیارت به غسل جاری می کنیم. زیارت با غسل کلفت زائده است و برائت از تقید جاری می شود. تذکر این نکته لازم است: مکلف می داند نذر به اصل زیارت تعلق گرفته است، شک در زیارت مع الغسل دارد و برائت از تقید جاری می شود. یک غسلی در نذرش آورده است نمی داند در زیارت اخذ شده است که وجوب غیره است و یا خود غسل را الان نذر کرده است که نفسی است. چون الان حرجی است وجوب نفسی ندارد و شک در تقید زیارت به غسل شک داریم، برائت جاری می شود. یعنی نمی داند غسل را به نحو مستقل نذر کرده است یا مقید به زیارتش کرده است. اصل نذر زیارت معلوم بالتفصیل است نمی داند که غسل را به نحو مستقل نذر کرده است یا غسل را در شب جمعه قید قرار داده است. مشکل از ناحیه فعلیت وجوب نفسی است. پس وجوب نفسی بر فرض که داشته باشد، فعلیت ندارد؛ چون حرجی است و شک در اصل وجوب داریم. پس شک در اصل وجوب دو پایه دارد گاهی اوقات از ناحیه فعلیت وجوب غیره است و گاهی اوقات از ناحیه وجوب نفسی است. نتیجه: در صورت اول و دوم برائت جاری می شود و از محل کلام خارج است.

### صورت سوم: علم به اصل وجوب و انتفاء وجوب غیر علی جمیع التقادیر

اصل وجوب را می دانیم ولی غیر علی جمیع التقادیر واجب نیست. یعنی این گونه نیست که علم به وجوب غیر علی جمیع التقادیر وجود داشته باشد و آن غیر واجب است علی تقدیر دون تقدیر. مثلاً شخصی نذر کرده است ولی نمی داند وضو را نذر کرده است که وجوبش نفسی است یا نماز را نذر کرده است، تا وضو وجوب غیره داشته باشد. غیر در این صورت نماز مع الوضو است. این غیر وجوبش علی ای تقدیر نیست اگر نماز را نذر کرده بود نماز با وضو واجب است. بر خلاف صورت چهارم که وجوب غیر علی جمیع التقادیر است. در این جا اصل وجوب را می دانیم یا نفسیا و یا غیره.

مرحوم نائینی فرموده است: براءتی که مرحوم آخوند در کفایه جاری کرده است، در این صورت سوم است. نکته جریان براءت در کلام مرحوم آخوند این است که وجوب غیر علی جمیع التقادیر مشکوک است. وجوب وضو به صورت وجوب غیره مشکوک است و براءت از وجوب وضو جاری می شود. هر چند که عبارت ایشان روشن نیست. زیرا معلوم نیست که مجرای براءت را وجوب نفسی وضو قرار داده است یا وجوب نفسی نماز قرار داده است.

ما اگر بخواهیم در صورت سوم براءت جاری کنیم تقریبش این است که یک طرف وجوب غیره است و وجوب غیره جای براءت ندارد چون استحقاق عقوبت ندارد پس در نماز که وجوب نفسی است براءت جاری می کنیم. مرحوم نائینی مقسم (در کلام مرحوم آخوند و أما إذا لم یکن فلا بد من الإتيان به فيما إذا كان التكليف بما احتمل كونه شرطاً له فعلياً للعلم بوجوبه فعلاً و إن لم يعلم جهة وجوبه و إلا فلا لصيرورة الشك فيه بدوياً كما لا يخفى) را وجوب مردد بین غیره و نفسی می داند، قائل است به این که اصل وجوب معلوم است پس ادعای مرحوم خویی صحیح نیست.

مرحوم آخوند براءت را از وجوب نفسی مشکوک النفسیه جاری می کند و خلاف ظاهر است که براءت را در وجوب غیره جاری کند. مرحوم نائینی مقسم را مد نظر گرفته است و کلام مرحوم آخوند را به صورت سوم تفسیر کرده است اما مرحوم خویی این مطلب را مد نظر قرار داده است که معنا ندارد در صورت سوم براءت جاری بشود و کلام مرحوم آخوند را بر صورت اول حمل کرده است. اما ظاهر کلام مرحوم آخوند صورت سوم است.

### عدم جریان براءت در صورت سوم

مرحوم نائینی فرموده است: اجرای براءت در صورت سوم صحیح نیست. براءت از وجوب نفسی وضو مجال ندارد. زیرا ما یقین داریم که اگر وضو را ترک کنیم استحقاق عقوبت داریم یا از این باب که وضو واجب نفسی است و یا اگر واجب نفسی نیست غیره است و مقید را در طرف دیگر ترک کردیم و استحقاق عقوبت داریم. اگر وضو ترک بشود مستحق عقوبت هستیم قطعاً. چون یقین به مخالفت یک تکلیف فعلی داریم، یا وجوب نفسی وضو است و یا وجوب نفسی مقید است.

اگر وضو وجوب نفسی نداشته باشد پس قید برای نماز است. وقتی وضو ترک شد اگر واجب نفسی نباشد معنایش این است که وجوب غیر فعلی است. علی ای حال مکلف تارک یک واجبی است. لذا براءت از وجوب نفسی وضو جاری نمی شود؛ زیرا

۱ اجود التقریرات، نائینی، ج ۱، ص ۱۷۱.

۲ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۱۰.

۳ اجود التقریرات، نائینی، ج ۱، ص ۱۷۱.

یقین داریم که ترک وضو مؤمن ندارد یا از باب این که وجوب نفسی ترک شده است و یا از باب این که مستلزم ترک واجب دیگر است.

نتیجه این می شود که مکلف باید وضو بگیرد، حال این سوال مطرح می شود که آیا در واجب نفسی که شک داریم وجوبش فعلی است یا نه، می توان برائت جاری کرد یا نه؟ اگر نذر به غسل فی الحال تعلق گرفته باشد، غسل وجوب نفسی دارد. اگر به حال حاضر تعلق نگرفته باشد بلکه به زیارت مع الغسل در شب جمعه تعلق گرفته باشد، پس نذر به مقید (زیارت مع الغسل) مشکوک است. حال که در غسل برائت جاری نشد، آیا می توان برائت را در زیارت با غسل در شب جمعه جاری کرد؟ مرحوم نائینی فرموده است: بله. وقتی که برائت در ناحیه وضو جاری نشد برائت از وجوب زیارت مع الغسل بلا معارض جاری می شود. الان مکلف باید غسل بکند، اما زیارت مع الغسل مشکوک است و برائت جاری می شود.

**نتیجه:** مرحوم نائینی می فرماید: برائت از وجوب نفسی مردد مجال ندارد ولی برائت از وجوب غیر مجال دارد؛ زیرا اصل وجوبش مشکوک است. بر مبنای مرحوم نائینی مکلف باید غسل را انجام دهد ولی لازم نیست که زیارت امتثال شود، ولی بر مبنای مرحوم آخوند نه غسل واجب است و نه زیارت با غسل.

نسبت به این مطلب اشکالی وارد شده است که برائت از وجوب غیر به نحو کلی صحیح نیست. باید تفصیل داد. بین این که زمان واجب مردد با غیر مساوی هستند یا یکی اطول از دیگری است. ادامه بحث در جلسه آینده.